

مفاهیم، نمادها و تلمیحات مشترک در اشعار شاعران انقلاب اسلامی با موضوع فلسطین

محمد مرادی (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز)

چکیده

دفاع از ستمدیدگان و ستایش مقاومت و پایداری آنان در برابر متجاوزان و ستمگران از درون مایه‌های اصلی ادبیات انقلاب اسلامی است. یکی از زیرشاخه‌های این مفهوم اشعاری است که در دفاع از مردم فلسطین و ستایش مبارزان با صهیونیسم در جهان عرب و ایران سروده شده است. مقبولیت این اشعار در ادبیات انقلاب اسلامی به اندازه‌ای بوده که تا کنون صدها شاعر به جنبه‌هایی از آن پرداخته‌اند؛ چنان‌که می‌توان آن را یکی از زیرجریان‌های شعر معاصر فارسی به شمار آورد. در این مقاله، با گوشه‌چشمی به فلسطینیات عربی، به روش تحلیل محتوا، بیش از ۳۰۰ شعر از مجموعه اشعار و جُنگ‌ها، در قالب‌های غزل، مثنوی، سپید، نیمایی، قصیده، رباعی و... با موضوع فلسطین، از ۱۸۰ شاعر فارسی‌زبان بررسی و مؤلفه‌های غالب آن‌ها در چند دسته (مفاهیم، نمادها و تلمیحات مشترک) طبقه‌بندی شده است. از نتایج پژوهش حاضر این است که اگر فلسطین سروده‌های فارسی را - در دهه شصت تحت تأثیر شعر جنگ - حماسی و ایدئولوژیک و ذهنی و معنا محور بدانیم، در دهه‌های هفتاد و هشتاد، تحت تأثیر ترجمه‌ها و برگزاری جشنواره‌ها، به فضایی مرئی‌ای، انسان‌محور، عینی و شاعرانه نزدیک شده است.

کلیدواژگان: شعر انقلاب اسلامی، شعر فلسطین، فلسطینیات، مفاهیم، نمادها، تلمیحات.

۱- مقدمه

در شعر معاصر فارسی و به‌ویژه در دوران شکل‌گیری ادبیات انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین نمودهای ادبیات پایداری سرودن اشعار مستقل در ستایش و دفاع از دیگر مللِ مظلوم (← کافی، ص ۱۳۹-۱۴۲؛ سنگری ۲، ص ۶۲) به‌ویژه مقاومت مردم فلسطین بوده است. رواج این زیرجریان ادبی در زبان فارسی، البته، چند دهه متأخر از ادبیات عرب بوده است. در شعر معاصر عرب، سرودن اشعاری در ستایش فلسطین و مقاومت مردم آن، موسوم به «فلسطینیات»، دست کم، پیش از صدور اعلامیه بالفور (۱۹۱۷م) و اشغال فلسطین (۱۹۴۸م) سابقه داشته است و شاعران عرب، تا شکست ژوئن ۱۹۶۷م، سه دوره از تاریخ شعر فلسطینی را از سر گذرانده‌اند. (← فرزاد، ص ۳۸-۴۱)

با گسترش ادبیات فلسطین در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی (چهل و پنجاه شمسی)، شاعران فارسی‌زبان با گرایش‌های مذهبی و چریکی (از جمله محمدعلی سپانلو، مهرداد اوستا، حمید سبزواری و طاهره صفارزاده) در اشعار خود به این مضمون توجه نشان دادند و آفریدن فلسطین‌سروده‌ها در ادب انقلابی معاصر آغاز شد. جریان دوم شعر فلسطینی در ادبیات انقلاب، با پیروزی انقلاب اسلامی و نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به روز جهانی قدس (۱۳۵۸) و هم‌زمان با دفاع مقدس، در میان شاعران فارسی‌زبان دهه شصت جلوه یافت و شاعران نسل‌های اول و دوم انقلاب اسلامی (محمدعلی مردانی، حمید سبزواری، مشفق کاشانی، سپیده کاشانی، محمود شاهرخی، عباس براتی‌پور، ضیاءالدین ترابی، نصرالله مردانی، علی معلم دامغانی، قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، حسین اسرافیلی، یوسفعلی میرشکاک، آرش باران‌پور، تیمور ترنج، جواد محدثی، مصطفی علی‌پور، علیرضا قزوه، زکریا اخلاقی و...) اشعار بسیاری با موضوع مقاومت فلسطین و عمدتاً در قالب‌های مثنوی و قصیده و، در بسامد کمتر، قالب‌های آزاد سرودند.

دهه هفتاد را در ادبیات انقلاب اسلامی می‌توان متأثر از ترجمه ادب پایداری و همچنین نهضت دیگر ملل دانست (← سنگری ۱، ص ۵۲؛ اسماعیلی، ص ۸۰). در این دهه، با پایان جنگ و استقبال از

ترجمه اشعار شاعران عرب و فلسطینی از جمله ابراهیم طوقان، فدوی طوقان، معین بسیسو، حنا ابوحنّا، توفیق زیّاد، راشد حسین، سمیح القاسم، سالم جبران، محمود درویش، محمد القیسی، عزالدین المناصره، احمد دحبور و دیگر شاعران عرب از جمله نزار قبّانی، بدر شاکر السّیّاب، عبدالوّهّاب البیّاتی، سعدی یوسف، احمد مَطّر و جواد جمیل، آفریدن فلسطین سروده‌ها در زبان فارسی شتاب و سبکی دیگرگون گرفت و، با تمایل شاعران جوان به این مفهوم، بسامد چشمگیر قالب‌های غزل و سپید و رباعی شاخصه جریان فلسطین سروده‌های شاعران انقلاب شد.

در نیمه دوم دهه هفتاد شمسی و پس از وقوع انتفاضه مردم فلسطین (۱۹۸۷م)، دوره‌ای تازه از شعر فلسطین شکل گرفت (← محمدی روزبهانی، ص ۶۷-۶۸) و تا پایان دهه هشتاد ادامه یافت. در این دوره، رویدادهایی چون آزادی جنوب لبنان، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله با رژیم اشغالگر قدس و مقاومت ۲۲ روزه در غزه، از سویی، و برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های متعدد همچون شعر فلسطین (۱۳۸۳)، سلام نصرالله و سلام مقاومت (۱۳۸۵) و انتشار گزیده‌اشعار متعدد با موضوع مقاومت فلسطین، از دیگر سو، بر غنای این جریان ادبی در زبان فارسی افزود.

در دهه‌های هفتاد و هشتاد، علاوه بر شاعران مطرح دوران جنگ، شاعرانی همچون حمیدرضا شکارسری، مجید زمانی اصل، افشین علا، پروانه نجاتی، محمدسعید میرزایی، حسین هدایتی، مریم سقلاطونی، محمدحسین انصاری‌نژاد، علی محمد مؤدّب، اصغر عظیمی مهر، امید مهدی‌نژاد، محمد مرادی، مرتضی حیدری آل کثیر، محمد مهدی سیّار، میلاد عرفان‌پور و ده‌ها تن دیگر نیز به سرودن در این زمینه پرداختند.

با توجه به اهمیت این زیرجریان انگاره‌ای و مؤلفه‌های آن در شعر انقلاب اسلامی، در این مقاله به روش تحلیل محتوا، پس از بررسی بیش از ۳۰۰ شعر از ۱۸۰ شاعر، عناصر غالب و تکرارشونده همچون مفاهیم، نمادها و تلمیحات مشترک در فلسطین سروده‌های فارسی طبقه‌بندی و سیر تحول این زیرجریان از ادب پایداری در دهه‌های اخیر بررسی شده است.

برای استخراج اشعار مدّ نظر، صدها مجموعه شعر و ده‌ها دیوان از شاعران شاخص ادبیات انقلاب اسلامی به‌ویژه کتاب‌های منتشرشده به‌همّت نشرهای فعّال در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی (حوزه هنری، نیستان، انجمن قلم، تکا، فصل پنجم، شهرستان ادب، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس، نشر صریر و...) بررسی و اشعار پراکنده آمده در آنها انتخاب شده است. بخش درخور ملاحظه‌ای از فلسطین‌سروده‌های فارسی شعرهایی است که، به‌مناسبت برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌ها، در جُنک‌های اختصاصی و با محوریت رویدادهای اخیر مقاومت ضدّ صهیونیستی گردآوری شده است. بسیاری از شاعران این سروده‌ها کتاب شعر مستقل ندارند و شعر آنان در مجموعه‌هایی، که به‌مناسبت این همایش‌ها گردآوری شده، آمده است. از این رو، در استناد به این اشعار، به آن منابع گردآوری ارجاع داده شده است.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه این پژوهش تحقیق‌هایی است با موضوع جلوه‌هایی از فلسطین‌سروده‌های عربی که در میان محققان عرب نمونه‌های فراوانی دارد؛ اما چون این تحقیق صرفاً درباره مؤلفه‌های غالب در اشعار شاعران انقلاب اسلامی با موضوع فلسطین است، فقط به این عرصه می‌پردازیم.

از پژوهشگران ایرانی برخی چون موسی اسوار (از سرود باران تا مزامیر گل سرخ، سخن، تهران ۱۳۸۱)، عبدالحسین فرزاد (رؤیا و کابوس: شعر پویای معاصر عرب، مروارید، تهران ۱۳۸۳)، رستم علیرضایی فرد (تأثیر جنگ ژوئن بر شعر فلسطین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی زهرا خسروی، دانشگاه آزاد واحد مرکزی، تهران ۱۳۸۰)، مجید صفاتاج (فلسطین از پایداری تا رهایی، مدرسه، تهران ۱۳۹۴)، عزّت ملاآبراهیمی («تأثیر جنگ شش‌روزه بر شعر معاصر فلسطین»، مجله الجمعیة العلمیة الایرانیة للغة العربیة و آدابها، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۰۱-۱۱۶)، همو («تجلی

مضامین دینی در شعر معاصر فلسطین»، پژوهش دینی، ش ۱۶، بهار ۱۳۸۷، ص ۲۳-۳۸)، همو («بازتاب حادثه اشغال (۱۹۴۸م) در شعر شاعران زن فلسطینی»، زن در فرهنگ و هنر، ش ۱، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۱۹-۱۳۵)، همو («جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطین»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱، ش ۴، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۱۵-۱۳۰) جنبه‌هایی از شعر عربی فلسطینی یا ادبیات سیاسی فلسطین را ترجمه، نقد و بررسی کرده‌اند.

به‌ندرت، تحقیق‌هایی نیز در حوزه تطبیق ادبیات پایداری فارسی و عربی انجام شده است؛ مثلاً قسم به نخل، قسم به زیتون (بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین)، به قلم محبوبه محمدی روزبهانی (بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، تهران ۱۳۸۹). همچنین است مقاله «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» به قلم ناصر محسنی‌نیا (نشریه ادبیات پایداری، دوره اول، ش ۱، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۴۳-۱۵۸). نویسنده مقاله مزبور به برخی نمادها و تلمیحات موجود در اشعار پایداری فلسطینی و ادبیات پایداری فارسی اشاره کرده است. مقالات دیگر در این حوزه عبارت‌اند از: «بررسی شعر مقاومت نزد معین بسیسو و قیصر امین‌پور» به قلم احمدرضا حیدریان شهری و ندا تصدیقی (در همایش ملی ادبیات تطبیقی: مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات تطبیقی فارسی-عربی، ج ۱، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه ۱۳۹۱، ص ۴۲۳-۴۳۶) و «بررسی تطبیقی زبان و بیان، اندیشه و عاطفه در شعر مقاومت نصرالله مردانی و محمود درویش» به قلم عبدالله رسول‌نژاد و شایسته زارعی (ادبیات تطبیقی، سال چهارم، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۵۵-۷۶) که مقاله اول، موردی، جلوه‌های پایداری را در شعر معین بسیسو و قیصر امین‌پور بررسی و تحلیل می‌کند و مقاله دوم جلوه‌های مقاومت را در شعر نصرالله مردانی و محمود درویش.

در پژوهش‌های یادشده و دیگر مقاله‌های علمی-پژوهشی موجود، اساس بر مطلق ادبیات پایداری فارسی بوده و بررسی فلسطین‌سروده‌های فارسی از نظر مغفول

مانده است. تنها عباس گنجعلی و فرشته صفاری، در مقاله «بررسی تطبیقی صور خیال در دو شعر "فی یوم فلسطین" بدر شاکر السیاب و "پنجره"ی قیصر امین پور» (نشریه ادبیات پایداری، سال ششم، ش ۱۱، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۳۵۷-۳۸۴) اختصاصی به فلسطین سروده‌های فارسی پرداخته‌اند که از مرتبط‌ترین پژوهش‌های موجود با مقاله حاضر است.

در پژوهش‌های ادبیات پایداری و دفاع مقدس فارسی نیز چندان نمودی از بررسی اشعار شاعران ایرانی با موضوع فلسطین دیده نمی‌شود. کافی، در کتاب شناخت ادبیات انقلاب اسلامی (ص ۱۷۴)، فقط در چند سطر به کارکرد نماد «زیتون» در شعر انقلاب اسلامی اشاره کرده و سنگری نیز در مقاله «ادبیات پایداری» (ص ۵۶-۷۳)، در معرفی وجوه مشترک ادبیات دفاع مقدس، به برخی مفاهیم مشترک در گونه‌های اصلی شعر پایداری پرداخته است که در کلیت فلسطین سروده‌ها نیز نمود دارند.

۳- مفاهیم مشترک در فلسطین سروده‌های انقلاب اسلامی

در بررسی فلسطین سروده‌های شاعران انقلاب اسلامی، سه دسته از مفاهیم اصلی بیشتر نمود یافته است: ۱) ستایش فلسطین، قدس و مسجدالاقصی؛ ۲) مفاهیم مربوط به پایداری و دعوت به مقاومت؛ ۳) مفاهیم مربوط به آینده مردم فلسطین. در کنار مفاهیم غالب یادشده، اشاره به نمادها و تلمیحات تاریخی-مذهبی نیز در اشعار فلسطینی فراوان هست. در بخش بررسی مفاهیم مشترک در فلسطین سروده‌های فارسی، هریک از این مفاهیم و جایگاه آن‌ها را در شعر شاعران فارسی پس از انقلاب اسلامی به تفصیل معرفی خواهیم کرد.

۳-۱- توصیف جغرافیای مقاومت

دسته نخست از مفاهیم مشترک در فلسطین سروده‌های فارسی نمونه‌اشعاری است که در آن‌ها مجموع یا بخشی از کشور فلسطین توصیف شده است. به علت وجود تمایزها

و مشابهت‌هایی در این توصیف‌ها، در ادامه، به بررسی جداگانه زیرشاخه‌های این مفاهیم خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱- توصیف‌های مربوط به فلسطین

توصیف‌هایی که از فلسطین در سروده‌های شاعران عرب شده سرشار است از سرزندگی، جلوه‌های بومی و مفاهیمی چون تبعید، آوارگی و حتّی عشق (← محمدی روزبھانی، ص ۸۰ و ۹۱)؛ برخلاف شاعران فارسی که عینیت وطن فلسطینی در سروده‌هاشان چندان انعکاس نیافته است و بیشتر به توصیف حسّ خود از فلسطین پرداخته‌اند. این نگاه حماسی و انقلابی در سروده‌های نخستین با موضوع فلسطین و اشعار شاعرانی چون مهرداد اوستا به خوبی پیداست:

ای هرکجا دام / وی هر زمین کین / بشکوه ای خاک فلسطین / ای سرزمین چشم بر
هر سو گشاده... / ای خانه متروک غمگین / آه ای فلسطین؛ ای فلسطین. (اوستا،
ص ۵۱۹-۵۲۰)

از شاعران دهه شصت انقلاب اسلامی، در فلسطین سروده‌های آرش باران‌پور، جلوه‌هایی حماسی و درونی از توصیف و ستایش فلسطین می‌توان دید. او از معدود شاعران نسل اوّل و دوم است که، در توصیف فلسطین، گاه لحنی شبیه شاعران عرب دارد و، بومی‌گونه و عینی، از ویرانی‌های فلسطین سخن می‌گوید (← صداقتگو کیاسری، ص ۳۶). با این حال، در شعر دهه شصت، فلسطین، نه یک مفهوم عینی و ملموس، که نمادی از مقاومت و مظلومیت جهان اسلام است. این نگاه در اشعار ضیاءالدین ترابی نیز، در کارکردی نمادین، به وضوح دیده می‌شود. از دیگر ویژگی‌های نخستین فلسطین سروده‌های فارسی کاربرد واژه «فلسطین» در جایگاه ردیف اشعار است. حسن اجتهادی در شعری چریکی، به سال ۱۳۴۹، از این گونه ردیف‌سازی بهره برده است:

چریکِ غم از سرزمینِ فلسطین عقابِ حضورِ حزینِ فلسطین

(اجتهادی، ص ۹۸)

در اشعار شاعران نسل اوّل انقلاب اسلامی، فلسطین، همچنین، در مقام دیار پیغمبران و قبله نخست بارها ستوده شده است؛ مفاهیمی که ویژه شاعران دهه شصت نیست و در اشعار شاعران جوان هم به فراوانی کاربرد دارد (← محمدی، ص ۱۰۰). همین تکرارهای مفهومی و سبکی سبب شده شعر فلسطین در ادبیات انقلاب اسلامی، در مقایسه با ادبیات جنگ و شعرهای وطنی، چندان نمود شاعرانه نیابد و، جز معدودی آثار درخشان، دیگر سروده‌های موجود را بتوان تقلیدی از نمونه‌های موفق دانست. بازتاب مفاهیم مربوط به فلسطین در شعر فارسی در سال‌های پس از جنگ و به‌ویژه در شعر شاعران نوسرا، تحت تأثیر ترجمه اشعار عربی، تا حدودی دگرگون شده است؛ چنان‌که در آثار محمد مهدی محمدی، تیمور آقامحمدی، هاشم کرونی و - از شاعران نام‌آشنا - علیرضا قزوه توصیف‌ها و تصاویری تازه در ستایش فلسطین می‌توان دید:

فلسطین شکوفه می‌کند در باران خون و نمک / عروس می‌شود در طوفان نیزه و خنجر /
خیمه می‌زند چون سایه در شب. (قزوه ۲، ص ۱۴۹-۱۵۰)

این تأثیرپذیری از ترجمه اشعار عربی، از سویی، با رونق یافتن قالب سپید در شعر انقلاب سازگاری دارد و، از دیگر سو، برآمده است از تلاش مترجمانی چون موسی اسوار، موسی بیدج، عبدالحسین فرزاد، سیروس طاهباز، مجید صفاتاج، صابر امامی و... در حوزه معرفی ادب فلسطین. (← اسوار، ص ۶۶۶-۶۶۷؛ امامی، ص ۴۴ و ۱۱۴)

۳-۱-۲- توصیف قدس و مسجدالاقصی

توصیف قدس و مسجدالاقصی از دیگر مفاهیم مشترک فلسطین سروده‌هاست و در شعر فارسی بیش از شعر عرب کاربرد داشته؛ نکته‌ای که مؤید غلبه جنبه مذهبی موضوع فلسطین در شعر فارسی برخلاف جنبه ملی آن در اشعار عربی است. نماد «قدس» را شاعران ایرانی، حتی بیش از خود واژه و مضمون «فلسطین»، به کار برده و کسانی چون

حمید سبزواری، عباس براتی‌پور، آرش باران‌پور، محمدحسین جعفریان، زکریا اخلاقی و علیرضا قزوه توصیف‌هایی درخور به دست داده‌اند؛ مثل این شعر از علیرضا قزوه:
قدس خون یحیی در دل تشت است / قصه یوسف درون چاه ... / بار دیگر نیز می‌گویم /
سیدی زخمی ست اینک قدس. (قزوه، ۱، ص ۱۳۷-۱۳۸)

یکی دیگر از جلوه‌های قدس، در شعر فارسی، تلمیحاتی است که در پیوند با تاریخ قدس دیده می‌شود. این تلمیحات بیشتر در قالب‌های سنتی شعر فارسی کاربرد دارد و، از این رو، چندان نمود نوآورانه نیافته است. یکی از آن‌ها توجه به مفهوم «اولین قبله برای این شهر مقدس» است؛ مفهومی که در شعر دهه ۶۰ فارسی و در سروده‌های شاعرانی چون علی معلم دامغانی، محمود شاهرخی (جذبه)، محمدتقی تقی‌پور و دیگران بارها تکرار شده و این تکرارپذیری، بدون در نظر گرفتن کشف و تصویرسازی و نگاه شاعرانه، از تأثیر بلندمدت این اشعار در جریان ادبیات انقلاب اسلامی کاسته است. اغلب این تلمیحات ماجرای معراج حضرت رسول^ص و همچنین داستان حضرت ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام است و، در میان شاعران انقلاب اسلامی، شاهرخی بیش از دیگران به این‌گونه تلمیحات توجه داشته:

ای ارض مقدس فلسطین اقصای تو قبله نخستین
در شأن تو گفت پاک یزدان بارگنا حوله به قرآن
در نعت تو وادی مقدس فاخلع نعلک قول حق بس ...

(محمود شاهرخی؛ به نقل از اسرافیلی ۲، ص ۱۱۱-۱۱۲)

سرودن شعر با اشاره مستقیم یا غیر مستقیم به مسجدالاقصی در سبک شاعران نسل سوم پس از انقلاب اسلامی نیز تا حدودی کاربرد دارد؛ اگرچه این فلسطین سروده‌ها با گسترش مفاهیم عینی در اشعار تحت تأثیر ترجمه‌ها و ادبیات داستانی پایداری و فیلم‌ها و مستندهای تصویری مربوط به فلسطین بیشتر به آثار خلق شده در مناطق اشغالی نزدیک شده‌اند.

۳-۱-۳- اشاره به دیگر شهرهای فلسطین

چه شاعران عرب و چه فارسی‌زبان، در توصیف‌های خود، بارها به نام و وصف دیگر شهرها، مکان‌های اشغالی (کَفَرناحوم، کَفَرقاسم، صَبْرَا، شَتیلا، تَل زَعْتَر، ناصره، آریحا و...) و حتی اردوگاه‌های فلسطینی پرداخته‌اند. البته، برخلاف شاعران عرب که زیبایی‌های طبیعی و بومی و حتی روایت‌هایی عاشقانه از شهرهای خود را به شعر درآورده‌اند (← درویش، ص ۷۷؛ القیسی، ص ۱۹)، در شعر شاعران ایرانی و به‌ویژه شاعران سنتی‌سرا (در دهه‌های شصت و هفتاد)، شهرهای فلسطین صرفاً با بیان کشتارها، آوارگی‌ها و ویرانی‌ها توصیف می‌شود و گاه شاعر فقط نامی از مکان‌های اشغالی در شعر خود می‌آورد. محمدتقی تقی‌پور و منوچهر جراح‌زاده و محمدحسین جعفریان بیش از دیگران به این اشارات توجه دارند. تبعات این‌گونه اشارات، علاوه بر شعارزدگی، کمی توفیق شاعران در ارائه تصاویری واقعی و باورپذیر از شهرهای فلسطینی بوده است.

از میان شاعران نسل اول انقلاب اسلامی و همچنین شاعران دهه شصت، کسانی چون حمید سبزواری و یوسفعلی میرشکاک و مصطفی‌علی‌پور تا حدودی توانسته‌اند، با رعایت ضرورت‌های شاعرانه، به توصیف دیگر شهرهای فلسطین یا اشاره اجمالی به آن‌ها بپردازند. مثلاً، حمید سبزواری، در مثنوی مشهوری، با بهره‌گیری از آرکائیسیم (باستان‌گرایی) و وزنی حماسی، نام بسیاری از شهرهای فلسطین و مکان‌های جبهه مقاومت را با نمادهایی پایداری آورده است:

سینا و طور و غزه را بلعید باهم ما خفته و او، در تهاجم، قدس را هم
آنجا که جولانگاهِ اولادِ یهوداست آنجا که قربانگاهِ زَعْتَر، صور، صیدا است

(سبزواری، ص ۲۲۲)

یوسفعلی میرشکاک نیز در منظومه بلند «گفتگوی با زن مصلوب»، که در دهه شصت سروده شده (← میرشکاک، ص ۵۷۱-۵۸۲)، توصیف‌هایی غیرمستقیم از موضوع فلسطین

به دست داده است و گردآورندگان فلسطین سروده‌ها بخش‌هایی از این منظومه را در معرفی شهرهایی چون بیت لَحْم، ناصره و قدس ضبط و منتشر کرده‌اند (← صداقتگو کیاسری، ص ۱۰۹-۱۱۷). این چند سطر از بخش «ناصره» خواندنی‌تر است:

آغاز من / کدام باتلاقی بود؟ / ای باتلاق آفتاب‌های جهان / ای زن سکونتِ مردابی / تاریخ تازیانه و کنیزان! / روز سیاه‌بختِ عروسانِ شرق در قرن‌های تاریک! (میرشکاک، ص ۵۷۶)

برخلاف شاعران محتواگرا در دهه شصت و آغاز دهه هفتاد، در اشعار سنتی و آزاد دهه هشتاد، جلوه‌هایی شاعرانه‌تر از شهرهای فلسطین دیده می‌شود. در توصیف‌های متأخر، شاعران به وصف اجمالی شهرها بسنده نکرده بلکه، با استفاده از تخیل و تصویرسازی، احساس شاعرانه خود را از فلسطین به نظم کشیده‌اند. «الخلیل» از جمله شهرهای فلسطینی است که در دهه اخیر در شماری از اشعار علیرضا قزوه (← قزوه ۱، ص ۸۸، ۹۳ و ۹۵) و برخی اشعار شاعران جوان فارسی‌زبان نمود یافته است. (← حیدری آل کثیر، ص ۱۷)

در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از مقاومت ۲۲ روزه در سال ۱۳۸۷، غزه اهمیتی ویژه در شعر فارسی یافته است و می‌توان آن را پُربسامدترین نام از میان شهرهای فلسطین در اشعار ده سال اخیر دانست (← سیب و زیتون، ص ۵۵؛ مؤذّب، ص ۲۴ و ۲۶). از ویژگی‌های اشعار مربوط به غزه، علاوه بر غلبه عنصر سوگ در آن‌ها، استفاده از واژه «غزه» در جایگاه ردیف است. (← سیب و زیتون، ص ۲۶ و ۵۹)

۳-۲- جنبه‌های مقاومت در شعر فارسی با موضوع فلسطین

بازتاب جلوه‌های مقاومت یکی دیگر از بن‌مایه‌های شعر فلسطین است و می‌توان آن را به‌وضوح در اغلب اشعار فارسی و عربی دید (← حیدریان شهری و تصدیقی، ص ۱۰۵-۱۲۵). مفاهیم پایداری پُرتکرار در فلسطین سروده‌ها در چند دسته اصلی قابل طبقه‌بندی و معرفی است. در ادامه، به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۲-۱- دعوت به مقاومت

دعوت مخاطب به مقاومت از مهم‌ترین مفاهیم مشترک در اغلب فلسطین‌سروده‌هاست و از اولین دوره‌های شعر فلسطین در شعر عربی نمود داشته (← محمدی روزبهانی، ص ۸۳) و از پُربسامدترین مؤلفه‌های غالب در فلسطین‌سروده‌های فارسی است. در شعر شاعران دههٔ اوّل انقلاب اسلامی، از جمله حمید سبزواری، این مؤلفه بسیار پُررنگ و برآمده از اوضاع اجتماعی سال‌های آغازین انقلاب و روحیّهٔ حماسی جامعه است:

تنگ است ما را خانه، تنگ است ای برادر بر خاکِ ما بیگانه ننگ است ای برادر ...
تکبیرزن، لَبیک‌گو بنشین به رهوار مقصدِ دیارِ قدس، همپای جلودار

(سبزواری، ص ۲۲۱)

دیگر شاعران نسل اوّل دوران جنگ، از جمله محمود شاهرخی و عباس براتی‌پور، از شگردی مشابه برای بیان این مفهوم بهره برده‌اند. از نظر ادبی، دو مقولهٔ باستان‌گرایی و اشاره به قهرمانان ملی و دینی در شعر راهی است برای غنی کردن آن. در این‌گونه شعرها، که معمولاً در قالب مثنوی سروده شده، به پیروی از شعر حمید سبزواری، از وزن حماسی «مستفعلن مستفعلن مستفعلاتن» در بحر رجز استفاده شده است. در غزل‌های پایداریِ زمان جنگ نیز این نگاه پویا و مقاوم در شعر شاعران نسل اوّل انقلاب اسلامی به وضوح دیده می‌شود.

تفاوت منطق شاعران ایرانی و فلسطینی در زبان شعری آن‌هاست. محمود درویش، شاعر شاخص ادب پایداری فلسطین، با استفاده از زبانی مردمی و ساده و با تأکید بر شاعرانگی (← رسول‌نژاد و زارعی، ص ۶۳-۶۶) و احساس می‌کوشد احساس فردی خود را از پایداری بیان کند؛ حال آنکه شاعر مطرح ادبیات جنگ ایران، نصرالله مردانی، با زبانی ترکیب‌ساز و نظم‌محور و با تأکید بر رسالت سیاسی، مخاطب را به مقاومت می‌خواند:

می‌شکافد سینهٔ شب شعلهٔ شمشیرِ فجر ای برادر تا پگاهِ قدس با رهبر به پیش!

(مردانی، ص ۱۸)

گاه دعوت به مقاومت، به سبب نزدیک بودن شاعر به فضای شعر جنگ، چارچوبی کاملاً نمادین یافته است و تنها با اشاره شاعر می‌توان شعر را در حوزه مقاومت فلسطین دانست. برخلاف منطق استعاری غالب بر بسیاری از فلسطین‌سروده‌های عربی (← گنجعلی و صفاری، ص ۳۶۴-۳۶۵)، در این دست اشعار، شاعران به تأثیر از نمادگرایی اجتماعی پیش از انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از نمادهای پُرکاربرد، مقاومت را تنها چاره بهبود اوضاع موجود می‌دانند:

تا آفتاب را به غنیمت بیاوریم یک‌ذره راه مانده به تسخیر پنجره
جز با کلید ناخن ما و نمی‌شود قفل بزرگ بسته به زنجیر پنجره

(امین‌پور، ص ۱۴)

۳-۲-۲- رجزخوانی

رجزخوانی یکی از مؤلفه‌های شعر شاعران عرب درباره فلسطین است؛ ویژگی‌ای که کمتر به ادب فارسی راه یافته است. برخلاف شاعران عرب از جمله نزار قبّانی، سمیح القاسم، محمود درویش، توفیق زیّاد، احمد دحبور و... (← امامی، ص ۴۵-۴۶؛ زیّاد، ص ۲۳-۲۴)، دوری از منطقه مقاومت و نبود انگیزه‌های وطنی و همچنین روحیه آرام و احساس‌گرای شاعران ایرانی آنان را از بیان حماسی و رجزگونه در فلسطین‌سروده‌هاشان باز داشته است. با این حال، مفاهیم رجزگونه، علاوه بر اغلب فلسطین‌سروده‌های فارسی دهه شصت (متأثر از منطق ادبیات جنگ)، گاه در شعر برخی شاعران نسل دوم انقلاب اسلامی همچون علیرضا قزوه دیده می‌شود. (← قزوه ۲، ص ۱۴۸-۱۵۶)

در دهه هشتاد و در شعر شاعرانی جوان همچون امید مهدی‌نژاد، اصغر عظیمی‌مهر و... نیز تا حدودی مفاهیم رجزگونه تحت تأثیر ترجمه‌ها (← دحبور، ص ۵۵) نمود یافته است:

ما/ خنجرهایمان را از خون پاک می‌کنیم/ و دوباره در جیب می‌گذاریم/ گرد باروت را/ از
تفنگ‌هایمان می‌گیریم/ فشنگ‌های تازه در خشاب می‌چینیم/ پناهگاه‌هایی می‌سازیم/

از بتون مسلح/ و چترهایمان را مجهز می‌کنیم ... و به نجوا/ سرودهای حماسی می‌خوانیم.
(امید مهدی‌نژاد؛ به نقل از اسرافیلی ۱، ص ۴۰۲-۴۰۴)

۳-۳- بی‌اعتمادی به سازش و مداخله‌های جهانی

یکی دیگر از بن‌مایه‌های فلسطین سروده‌های شاعران ایرانی بی‌اعتمادی به نیروهای خارجی و واسطه‌های بین‌المللی است. فراگیری این مفاهیم در شعر فلسطینی به اندازه‌ای است که می‌توان آن را به چند دسته اصلی تقسیم کرد. در ادامه، به این مفاهیم خواهیم پرداخت.

۳-۳-۱- مردود دانستن سازش

از دید برخی شاعران فارسی‌سرا در دهه‌های شصت و هفتاد، همچون عزیزالله زبیدی و مصطفی علی‌پور، سازش و پذیرش صلح یک‌طرفه ناشدنی است (← صداقتگو کیاسری، ص ۱۰۳-۱۰۴). البته، نگاه منتقدانه سلمان هراتی به صلح تا حدودی متمایز از دیگر شاعران دوران جنگ است:

و فلسطین مستأصل باید/ به آوارگی قناعت کند/ و جراحت افغانستان را باید/ با دستمال
سرخ بست/ و گرنه چشم آبرگرازاها/ بر شاسی انفجار خیره مانده است/ باید به زور سرنیزه/
با صلح آشتی کرد. (هراتی، ص ۹۰)

در میان شاعران فارسی‌دهه هشتاد و به‌ویژه سپیدسرایان، آشکارا تحقیر سازش با نگاهی بدبینانه‌تر دیده می‌شود. استفاده از تمثیل یکی دیگر از شیوه‌های رایج در شعر این دهه است و، با آن، تصاویری طنزآلود از صلح و سازش ارائه شده است (← اسرافیلی ۱، ص ۴۰۱). در اشعار سال‌های اخیر، حقوق بشر ادعایی غربی‌ها نیز به استهزا گرفته شده؛ این جلوه از شعر فلسطینی را در سروده‌های پس از جنگ غزه به‌وضوح می‌توان دید. (← سیب و زیتون، ص ۲۷ و ۴۶)

برخلاف شاعران انقلاب اسلامی که عمدتاً غیر شاعرانه به مردود دانستن سازش پرداخته‌اند، در شعر عربی به‌ویژه در فلسطین سروده‌های شاعرانی چون نزار قبّانی، محمود درویش، توفیق زیّاد، نزیه خَیّر و سالم جبران، به دلیل بهره‌گیری مناسب از عاطفه و طنز و همچنین نزدیکی بیشتر با جغرافیای مقاومت، نمودهایی تأثیرگذار از این مؤلفه دیده می‌شود. (← امامی، ص ۵۲، ۵۳، ۷۴ و ۱۲۷؛ اسوار، ص ۶۹۲ و ۶۹۵؛ زیّاد، ص ۸۵-۸۶)

۳-۲-۳- انتقاد از سازمان‌های جهانی

یکی از مفاهیم مشترک فلسطین سروده‌ها، که بیش از همه در اشعار دهه هشتاد دیده می‌شود، انتقاد از اقدامات جانب‌دارانه سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل است؛ مفهومی که از میان شاعران فلسطینی در سروده‌های محمود درویش نمودی ویژه دارد (← محمدی روزبهرانی، ص ۹۴). از میان شاعران جوان ایرانی، بنیامین دیلم کتولی و حمیدرضا بردبار متمایز از دیگران به این مفهوم توجه کرده‌اند (← قزوه و اسماعیلی، ص ۱۹ و ۹۱). البته، شاعرانه‌ترین این انتقادات را در یکی از سروده‌های علیرضا قزوه می‌توان دید که بهره‌گیری مناسب از تضاد و طنز و تلمیح از جمله عوامل شاعرانگی آن است:

ای خدای آفریننده موسی و فرعون باهم / که قادری جرج کوچک را / به یک گنجشک / یا
یک سوسمار بدل کنی / ای خدایی که شیطان را از فرشته خلق کرده ای / و آتش را از دل
آب بیرون کشیده‌ای / حوا را از پهلوی چپ آدم خلق کرده‌ای / و اسامه بن لادن را /
از پهلوی چپ بوش / ای خدای آفریننده بادمجان و سازمان ملل / خدای آفریننده شورای
امنیت و منچ! (قزوه ۲، ص ۱۵۳)

۳-۳-۳- شکایت از بی‌توجهی‌های جهانی

بی‌توجهی جهانی به واقعیت‌های خونین سرزمین‌های اشغالی و همچنین سکوت دولت‌های عرب در برابر آن‌ها از دیگر مفاهیم ثابت و پُربسامد در بسیاری از اشعار مقاومت فلسطین است. این انتقادات، چنان‌که در سروده‌هایی از مهرداد اوستا و عبّاس

براتی‌پور دیده می‌شود، از دهه شصت یکی از ویژگی‌های فلسطین‌سروده‌های فارسی بوده است:

بی‌مهری از اعرابیان بس دیده‌ای تو طعن هزاران سامری بشنیده‌ای تو

(براتی‌پور، ص ۱۸۲)

انتقاد از بی‌توجهی جهانی و سازش‌کاران عرب به حوادث سرزمین‌های اشغالی در شعر شاعران دهه هشتاد فراوانی بیشتری یافته؛ تا آنجا که نگاهی هجوگونه به سران عرب در فلسطین‌سروده‌های فارسی راه یافته است (← سیب و زیتون، ص ۳۱، ۳۲ و ۴۴). همچنین، در اغلب اشعار سپید، سران کشورهای عربی حاشیه خلیج مخاطب انتقاد شاعران‌اند. در خلال این انتقادات، نفت عامل ترویج‌دهنده بی‌توجهی کشورهای عربی مطرح می‌شود. علیرضا قزوه، بیش از دیگران، از این مفهوم بهره برده و، از پی او، به اشعار شاعران جوان نیز راه یافته است (← جعفری حسینی، ص ۶۵؛ اسرافیلی ۱، ص ۳۶۱)؛ هرچند این مفاهیم نیز در شعر انقلاب اسلامی چندان نوآورانه نیست و، پیش از آن، در شعر شاعران عرب همچون نزار قبّانی، محمود درویش و سعدی یوسف شاعرانه‌تر توصیف شده است (← امامی، ص ۴۹، ۱۴۶ و ۱۴۷). اینک، نمونه‌ای از شعر علیرضا قزوه:

ما منتظر معجزه‌ای جز نفتیم/ پس ای قهوه‌خانه‌ها و قلیان‌های اعراب/ یک قدم به پیش/ ای عیاش‌خانه‌ها/ با رقص‌هایتان/ یک قدم به پیش ... (قزوه ۲، ص ۱۵۴)

۳-۴- توصیف آینده مقاومت

از دیگر مفاهیم مشترک فلسطین‌سروده‌ها توصیف آینده امیدبخش نهضت فلسطین و مقاومت اسلامی است؛ مفهومی که در شعر اغلب شاعران عرب از جمله محمود درویش دیده می‌شود (← محمدی روزبهانی، ص ۹۳). این مفاهیم تا حدودی در اشعار فارسی و عربی متفاوت است. با این حال، توصیف آینده روشن و

پیروزی نهایی فلسطینیان در چند مضمون اصلی فراوانی دارد که در ادامه به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

۳-۴-۱- امید به پیروزی آینده

در شعر تمام دوره‌های پس از انقلاب اسلامی، بارها و به شیوه‌های گوناگون به پیروزی نهایی نهضت فلسطین اشاره شده است؛ از جمله در شعر شاعران دوران جنگ همچون عباس براتی‌پور، محمدرضا سهرابی‌نژاد و فرامرز محمدی‌پور. شیوه پرداختن شاعران نسل اول انقلاب اسلامی به این مضمون معمولاً با استفاده از واژه‌های نمادین است (← صداقتگو کیاسری، ص ۲۸، ۸۵، ۱۳۲ و ۱۴۸)؛ هرچند برخی چون تیمور ترنج تحت تأثیر ترجمه شعر شاعران عرب تا حدودی متمایز و غیر مستقیم به این مفهوم پرداخته‌اند. (← ترنج، ص ۱۲)

در اشعار سنتی شاعران نسل سوم انقلاب اسلامی همچون علی سلیمانی، محمد مرادی، مهران رنجبر و... گویا شهرهای فلسطین در سال‌هایی نه چندان دور دوباره متولد خواهند شد (← سیب و زیتون، ص ۵۰ و ۵۴؛ قزوه ۱، ص ۲۴). بنا بر این ابیات، فردای امیدبخش قدس از دل نمادهایی چون سنگ و زیتون خواهد رُست:

فردا حقیقتی ست در آغوشِ چنگِ تو فردا جوانه می‌زند از پای سنگِ تو
فردا پُر است از گُلِ زیتونِ دست‌هات فردا نشسته در رگ و در خونِ دست‌هات

(علی سعادت؛ به نقل از اسرافیلی ۲، ص ۹۶-۹۷)

امید به آینده و پیروزی، در شعر فارسی‌زبانان، تا حدودی با شعر عربی متفاوت است. در شعر ملی‌گرای عربی، پیروزی آینده فلسطین زیر سایه وحدت و مقاومت قومی-ملی شکل می‌گیرد و شیوه پرداخت شاعران به آن نیز فردی و عاطفی و متنوع است؛ درحالی‌که این پیروزی از منظر شاعران فارسی جنبه‌ای دینی دارد و احیاناً با ظهور منجی و مفهوم انتظار همراه است. شاعران انقلاب اسلامی شبیه هم

این مفهوم را در اشعارشان به کار گرفته‌اند (← انصاری‌نژاد، ص ۵۷ و ۵۹؛ عمرانی، ص ۱۷؛ سیب و زیتون، ص ۲۸، ۴۸ و ۵۲). ارتباط منجی و فلسطین حتی در اشعار دهه ۶۰ فارسی نیز نمود داشته است و جلوه‌هایی از آن در شعر هراتی (← ص ۱۰۶-۱۰۷) دیده می‌شود.

۳-۲-۴- توصیف کودکان امروز در نقش مجاهدان فردا

یکی دیگر از بن‌مایه‌های اصلی فلسطین سروده‌ها وضعیت کودکان فلسطین در آینده مقاومت است. البته، این نمونه‌ها متفاوت با اشعاری است که کودکان فلسطینی در آن‌ها نماد مظلومیت و معصومیت ملت فلسطین معرفی شده‌اند (← اسرافیلی ۱، ص ۳۲۰؛ قزوه و اسماعیلی، ص ۱۷، ۲۳ و ۶۲؛ صداقتگو کیاسری، ص ۵۷). اغلب شاعران فلسطین سروده‌های عرب در اشعارشان کودکان را در لباس امیدهای آینده مقاومت ترسیم می‌کنند؛ مضمونی که در سروده‌های نخستین شاعران ایرانی درباره فلسطین نیز می‌توان دید.

برخلاف شاعران عرب (← امامی، ص ۵۱-۵۲، ۹۱ و ۹۴؛ القیسی، ص ۷۲)، شاعران ایرانی به آینده مقاومت و بزرگ شدن کودکان فلسطینی در هیئت مجاهدان آینده توجهی عمیق ندارند. توجه آنان به کودکان فلسطین عمدتاً کلی، سوگمندانه و مرثیه‌ای است. با این حال، اندک توجهی به این مضمون را در شعر برخی از شاعران جوان، به‌ویژه سپیدسرا، می‌توان دید:

در کف مردانت / شعله می‌وزد / عقده‌های چندین ساله / دخترکانت قنடைهای سنگ را
شیر می‌دهند. (عمرانی، ص ۲۷)

گفتنی است در شعر شاعران عرب مفاهیمی چون بازگشت، آوارگی، عشق در محاصره و آوارگی، توصیف زنان و مادران و... عمیق است (← امامی، ص ۵۲ و ۵۳؛ درویش، ص ۹۶؛ القیسی، ص ۳۳ و ۱۰۲)؛ ویژگی‌ای که در شعر شاعران انقلاب اسلامی به دلیل حضور نداشتن در متن وقایع فلسطین چندان به آن توجه نشده است.

۳-۵- نمادهای مشترک در اشعار فلسطینی

با توجه به اینکه برخی واژه‌ها در فرهنگ شعر فلسطینی بسامد و کارکرد بیشتر و مفاهیم وسیع‌تری در توصیف‌ها دارند، در ادامه، نمادها و کلیدواژه‌های شاعران ایرانی را با موضوع مقاومت مردم فلسطین بررسی خواهیم کرد.

۳-۵-۱- نمادهای بومی جغرافیایی

این نمادها شامل مفاهیم و اشیایی است که بیشتر بومی و طبیعی‌اند و کاربرد آن‌ها در اشعار یادآور جغرافیای مقاومت است؛ با این حال، در شعر، کاربردی نمادین نیز یافته‌اند. از این دسته، واژه‌های «زیتون»، «پرتقال»، «سیب»، «تین» (انجیر)، «دریا» و برخی گل‌ها بیشترین نمود را در فلسطین سروده‌های شاعران ایرانی دارند.

زیتون یکی از دو نماد پُرکاربرد در اشعار فارسی با موضوع فلسطین است و، بیش از همه، در اشعاری دیده می‌شود که در دوران پس از جنگ سروده شده‌اند و، بی‌شک، تأثیرپذیری از ترجمه آثار شاعران عرب (← امامی، ص ۲۴، ۴۴، ۱۳۵ و ۱۵۷) در این دوران در رواج آن مؤثر بوده است. از میان شاعران نسل اوّل و دوم انقلاب اسلامی، ضیاءالدین ترابی، آرش باران‌پور، تیمور ترنج، مجتبی مهدوی سعیدی و علیرضا قزوه در سروده‌های آزاد خود از آن بهره برده‌اند:

ای دوست/ ای برادر/ هیچ نمی‌دانم/ بهار هیچ‌گاه در سرزمینِ مقدّست ظهور می‌کند/ یا
اخمِ عَنابِیِ ماه/ در شب‌های زیتون‌زارانت/ دلِ هیچ عاشقی را/ به شوق کشانده است.
(آرش باران‌پور؛ به نقل از صداقتگو کیاسری، ص ۳۹)

زیتون، علاوه بر صلح، نمادی از هویت فلسطینیان است و بسیاری از شاعران ایرانی میان آن و مفهوم «خون» پیوند زده‌اند. البته، این نوع کارکرد بیش از همه مربوط به شاعران سنتی دهه‌های اخیر است و، در جایگاه قافیۀ اشعار، نمودی مشخص دارد (← عمرانی، ص ۲۵؛ برامکه و شفیع، ص ۱۵۷ و ۱۶۱؛ انصاری‌نژاد، ص ۵۶). اهمّیت نماد زیتون

در فلسطین سروده‌ها به اندازه‌ای است که بارها در جایگاه ردیف اشعار نیز قرار گرفته است (← سیب و زیتون، ص ۱۹). همچنین، نام برخی کتاب‌های حوزه ادب فلسطین همچون زخم زیتون، زیتون و سنگ، سیب و زیتون و... با نظر به آن انتخاب شده است. هرچند این نوع کاربردها، با تنوع و شاعرانگی کمتر، کاملاً شبیه شعر شاعران فلسطینی است و شاعران انقلاب اسلامی در استفاده شاعرانه از این نماد چندان توفیقی نداشته‌اند. **انجیر** (تین) و **انگور**، چه در شعر عربی و چه در فلسطین سروده‌های فارسی، کاربردی اندک دارد. با این حال، می‌توان آن را نمادی فرعی در این گونه دانست. البته، شاعران ایرانی معمولاً از واژه تین با نظر به کارکرد قرآنی آن در فلسطین سروده‌های خود استفاده می‌کنند؛ چنان‌که در این شعر مشهود است:

بدرود، بدرود/ ای ارض موعود/ و التین، و الزیتون، و اللیل/ و الطور سینین/ بشکوه
بشکوه، ای مرز فلسطین! (اوستا، ص ۵۲۳)

در اشعار سنتی شاعران جوان نسل سوم انقلاب اسلامی، واژه تین، به‌ویژه در جایگاه قافیه و در تقارن واژه «فلسطین»، بسامدی نسبی یافته و مریم سقلاطونی به این نوع کاربرد بیش از دیگر شاعران توجه نشان داده است (← عمرانی، ص ۱۸). گاه نیز برخی شاعران همچون مریم سقلاطونی و مرتضی حیدری آل کثیر از خود واژه «انجیر» برای ارائه تصویری بومی از فلسطین بهره برده‌اند. (← حیدری آل کثیر، ص ۱۷؛ اسرافیلی ۱، ص ۳۵۴)

دریا و **مدیترانه** یکی دیگر از نمادهای بومی پُرکاربرد، به‌ویژه در فلسطین سروده‌های شاعران عرب، است. دریا، علاوه بر توصیف‌گری فضای عمومی سرزمین مقاومت، القاگر خروش و حرکت است. در دهه‌های هفتاد و به‌ویژه هشتاد، متأثر از ترجمه‌ها، نمود آن در فلسطین سروده‌های فارسی افزونی یافته؛ چنان‌که عمدتاً در اشعار سپید شاعرانی چون کبری احمدیان، مهدی قاسمی، علی محمد مؤدب و محدثه الماسی جلوه‌هایی از آن می‌توان دید:

این همه خون که دریا بالا آورده/ مال کدام پری کوچکِ غمگین است؟ (محدثه الماسی؛
به نقل از اسرافیلی ۱، ص ۳۱۷)

۳-۵-۲- نمادهای پایداری

در سنت شعر فارسی با موضوع فلسطین، واژه‌هایی می‌توان دید که القاگر حس مقاومت به مخاطب‌اند. از میان این کلیدواژه‌ها، سنگ و خون و زخم بیشترین بسامد را یافته‌اند. سنگ پُرکاربردترین نماد در فلسطین سروده‌ها و هم‌وزن نماد «زیتون» در ادبیات جهانی مقاومت است و البته، در سنت شعر فارسی، بیش از ادبیات عرب بروز دارد. در میان شاعران ایرانی، علیرضا قزوه (← قزوه ۲، ص ۸۹، ۹۴، ۱۳۷، ۱۳۸ و ۱۵۱) بیش از دیگران از آن بهره برده است. در شعر او، زمان و مکان مقاومت را فقط با سنگ می‌توان محاسبه کرد. او سنگ را نماد بیداری، حرکت و رمی شیطان‌های جهانی می‌داند:

حالا ساعت، به وقتِ سنگ، چند است؟/ و من تا ساعتِ چند باید شعرِ خشم و سنگ
بگویم؟/ بارانِ سنگ تا ساعتِ چند باید ببارد؟ (همان، ص ۱۴۸)

دیگر شاعران ادبیات انقلاب اسلامی نیز، از دوران جنگ، نماد سنگ را به مثابه شناسنامه شعر پایداری فلسطین و برای تشجیع مخاطب به مقاومت به کار برده‌اند (← صداقتگو کیاسری، ص ۷۰ و ۱۴۱). البته، در غزل‌ها و اشعار سپید شاعران جوان دهه هشتاد، بیشترین توجه به واژه سنگ دیده می‌شود (← اسرافیلی ۱، ص ۸۹، ۳۵۹، ۳۷۶ و ۳۷۷؛ عمرانی، ص ۲۲). اهمیت این واژه در فلسطین سروده‌های شاعران جوان به حدی است که علی دولتیان، عبدالحمید رحمانیان و محمد مرادی غزل‌هایی با ردیف سنگ در ستایش مقاومت فلسطین سروده‌اند. (← اسرافیلی ۲، ص ۸۱)

خون و زخم از دیگر واژه‌های نمادین در فلسطین سروده‌هاست که پایداری و مبارزه را به مخاطب القا می‌کنند. این دو واژه در اشعار دفاع مقدس فراوانی دارند و در ادامه سنت شعر جنگ به فلسطین سروده‌های فارسی راه یافته‌اند و از نمادهای اصلی شعر پایداری فارسی و عربی به شمار می‌روند (← محسنی‌نیا، ص ۱۵۹). فراوانی آن‌ها در فلسطین سروده‌های فارسی به حدی است که نمی‌توان به تفصیل از آن سخن گفت.

این نمادها بیشتر در سروده‌های شاعران ایرانی دهه شصت و آغاز دهه هفتاد دیده می‌شود و شاعران نسل سوم چندان توجهی به آن‌ها ندارند. در این شعر ضیاءالدین ترابی، نمودهایی از نماد زخم می‌توان دید:

گل‌های سرخ / مثل زخم / مثل سیاه‌زخم / زخم دل شکسته لبنان / وقتی که سرو ساده / چون کوه ایستاده بود و تاریخ / با زانوان خسته / چون شتری پیر / می‌گذشت / در فصل بی تفاوت / بی تقویم / در فصل زخمی من / زخم ذهن من. (ترابی، ص ۱۲۸-۱۲۹)

در فلسطین سروده‌های علیرضا قزوه، تیمور ترنج، محمدتقی تقی‌پور، رباب تمدن، عزیزالله زیادی، حبیبه جعفریان، محمدحسین جعفریان و... کاربرد زخم و خون را می‌توان دید. البته، در شعر شاعران نسل سوم، تبدیل واژه‌های زخم و خون به «شهادت» و «انتحار» و «انتفاضه» بیشتر نمود یافته و نمادهای جمعی و تکراری اشعار دهه‌های قبل به نمادهایی فردی و نسبتاً متنوع تبدیل شده است.

۳-۵-۳- نمادهای مربوط به محاصره، آوارگی و اردوگاه

وصف آوارگی در کشورهای حاشیه فلسطین (لبنان، سوریه و اردن)، توصیف اردوگاه‌ها، توجه به مفهوم محاصره و در کنار آن استفاده از واژه‌هایی چون دیوار، تبعید، حصار، آزادی و... در شعر مقاومت فلسطین همواره نمود داشته؛ چنان‌که یکی از بن‌مایه‌های اصلی اشعار معین بسیسو شاعر فلسطینی است (← محمدی روزبھانی، ص ۷۹). در مقایسه با شاعران عرب، شاعران انقلاب اسلامی، چون دستی از دور بر آتش آوارگی و پیامدهای آن داشته‌اند، چندان نتوانسته‌اند این مفهوم را در اشعار خود توصیف کنند. البته، از میان شاعران دوران جنگ، مهرداد اوستا و تیمور ترنج به طور ضمنی به آوارگی فلسطینیان اشاره کرده‌اند.

در شعر شاعران دهه هشتاد، علاوه بر توصیف آوارگی، موضوع «دیوار حائل» بیشترین نمود را یافته است و شاعرانی چون علیرضا قزوه، اصغر عظیمی‌مهر و تیمور آقامحمدی از این نماد در سروده‌هایشان استفاده کرده‌اند:

من از ساکنین رهاشده لبنانم / ولی دلم پشت این سیم‌های خاردار و / دیوارهای بتنی /
در محله هرگز ندیده رام‌الله / می‌تپد. (تیمور آقامحمدی؛ اسرافیلی ۲، ص ۳۲-۳۴)
بسیاری از اشعار موفق شاعران فلسطینی (فدوی طوقان، سمیح القاسم، محمود درویش،
توفیق زیاد، احمد دحبور، محمد القیسی و...) در توصیف لحظه‌های آوارگی و تجربه‌های
محاصره و تبعید و نیز آرزوی آزادی سروده شده است (← طوقان، ص ۳۶۹-۳۷۰، ۴۹۷-
۴۹۸؛ القاسم، ص ۳۳ و ۱۴۹؛ درویش، ص ۳۶؛ زیاد، ص ۵۱ و ۵۶؛ دحبور، ص ۳۶، ۳۸، ۴۰ و ۴۶؛
القیسی، ص ۱۸، ۴۷، ۵۱، ۵۳، ۸۱ و ۹۷)؛ حال آنکه شعر انقلاب اسلامی - به دلایلی که
گفته شد - نتوانسته تصاویری باورپذیر از این تجربه‌های انسانی خلق کند.

۳-۵-۴- نمادهای اسرائیلیان

در فلسطین سروده‌ها، واژه‌هایی دیده می‌شود که نمادی از نیروهای اشغالگر است.
برخی از این نمادها در شعر عربی عبارت‌اند از: «دزدان»، «قاتلان»، «متجاوزان»،
«مغولان»، «بنی اسرائیل»، «اشغالگران»، «خفاش‌ها» و... (← القاسم، ص ۹۲؛ امامی، ص ۱۷،
۱۱۷ و ۱۱۸؛ اسوار، ص ۶۹۵)؛ حال آنکه در شعر شاعران ایرانی، به‌ویژه شاعران سنتی دهه
اوّل انقلاب اسلامی، واژگانی چون «سامری»، «فرعونیان»، «نمرودیان»، «اصحاب فیل»
و... در توصیف مهاجمان صهیونیست استفاده می‌شود:

وادی پُر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است

(سبزواری، ص ۲۲۰)

«ستاره داوود» از دیگر نمادهای اسرائیلی است که در شعر دهه هشتاد به آن توجه
فراوان شده است؛ چنان‌که در اشعاری از محدّثه الماسی، اصغر عظیمی‌مهر و
سیدعلی اصغر علوی می‌توان دید (← اسرافیلی ۱، ص ۳۶۹). «صهیون» از دیگر نمادهای
اسرائیلی است و، علاوه بر شعر شاعران ایرانی، در سروده‌های رستم عجمی (شاعر
تاجیک) نیز کاربرد یافته است. (← همان، ص ۳۶۷)

۶-۳- تلمیحات و اشارات تاریخی فراگیر در فلسطین سروده‌های شاعران انقلاب اسلامی از دیگر بن‌مایه‌های مشترک در فلسطین سروده‌های این شاعران استفاده از تلمیحات و اشارات دینی است که در سنت این دست از اشعار فراوانی نسبی یافته است؛ برخلاف اشعار پایداری عربی که در آن‌ها، به دلیل غلبه روحیه وطنی، اشارات ملی و اسطوره‌ای و تاریخی نمودی بیشتر دارد. (← محسنی‌نیا، ص ۱۴۳-۱۵۳)

در بخش پایانی این مقاله، تلمیحات مهم و پُرکاربرد در فلسطین سروده‌های شاعران ایرانی دسته‌بندی و معرفی شده است.

۶-۳-۱- تلمیح به داستان حضرت موسی و حکایت‌های بنی‌اسرائیل

این دست تلمیحات دینی، چه در فلسطین سروده‌های فارسی و چه در آثار عربی، بیشترین نمود را دارند. البته، شاعران ایرانی بیش از شاعران عرب از این اشارات بهره برده‌اند. یکی از دلایل این فراوانی در شعر فارسی جنبه دینی موضوع فلسطین است و همین نکته شاعران را به استفاده از پیشینه تاریخی قوم بنی‌اسرائیل و گنجاندن آن در چارچوب نمادها ترغیب کرده است؛ ویژگی‌ای که بیش از همه در اشعار شاعران نسل اول و دوم انقلاب اسلامی همچون مهرداد اوستا، حمید سبزواری، محمود شاهرخی و حسین اسرافیلی دیده می‌شود (← اوستا، ص ۵۱۹-۵۲۲؛ اسرافیلی ۱، ص ۳۱۳) و، پیش‌تر، به برخی از نمونه‌های آن در بخش نمادهای اسرائیلیان اشاره کردیم.

این دست اشارات تاریخی حتی در فلسطین سروده‌های شاعران جریان موسوم به روشنفکری با نگاهی متفاوت دیده می‌شود. از این منظر، گاه شاعر از نگاه کودکی یهود که مخالف کشتار مردم مسلمان فلسطین است، با استفاده از تلمیحات کهن دینی، شعری گفته است. شعر «سارا چه شادمان بودی» از سیمین بهبهانی، که در شهریور ۱۳۶۱ سروده شده، از این گونه است:

سارا! بگوی با موسی: سودای دینِ دیگر کن کز ننگِ خود جهان‌خواری داغی نهاده بر دینت

سارا! بپرس از موسی کاین افعیان نمی‌بینی یا ازدهای افعی‌گش تن می‌زند ز تمکینت؟
(بهبهانی، ص ۷۲۸)

علیرضا قزوه از شاعرانی است که به فراوانی از این مفاهیم بهره برده است (← قزوه ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹). شاعران نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی نیز (پروانه نجاتی، سیدمحمدحسین ابوترابی، علی داوودی، سیدمرتضی شریفی، مریم سقلاطونی، اصغر عظیمی مهر، محمدمهدی سیار و...)، به‌ویژه در اشعار سنتی، از تلمیحات دینی-تاریخی بنی اسرائیل بارها استفاده کرده‌اند.

۳-۶-۲- تلمیح به قیام امام حسینؑ

در شعر عربی، جمعی از شاعران عراق و لبنان یا نزار قبّانی (شاعر سوری) از تلمیح به واقعه عاشورا در فلسطین سروده‌های خود بهره برده‌اند (← قبّانی، ص ۲۷؛ دحبور، ص ۴۲). اما در شعر فارسی، به علت غلبه عناصر شیعی، این‌گونه تلمیحات نسبتاً پُرکاربرد است. از شاعران میان‌سال، علیرضا قزوه و مصطفی علی‌پور به این دست اشارات توجه داشته‌اند.

تلمیح به عاشورا در شعر شاعران جوان دهه هشتاد افزونی یافته؛ چنان‌که در اشعار مرتضی حیدری آل‌کثیر، مهدی رحیمی، محمد مرادی، میلاد عرفان‌پور، سیدعلی‌اصغر علوی و... نشانه‌هایی از آن می‌توان دید. این اشاره‌ها در اشعاری که در محرم ۱۳۸۷ هم‌زمان با حمله اسرائیلی‌ها به غزه سروده شده است بیشتر نمود یافته؛ چنان‌که بخش عمده‌ای از رباعیات دفتر سیب و زیتون حاوی این تلمیحات است:

برگرد و برای کودکان آب بیار یا حضرت عباس فلسطین تشنه‌ست

(سیب و زیتون، ص ۴۷)

۴- نتیجه

از بررسی معناییِ بیش از سی صد شعر فارسی در ستایش مقاومت فلسطین می‌توان دریافت شاعران ایرانی در سروده‌های خود، برخلاف شاعران عرب، چندان به جلوه‌های قومی و ملی توجه نداشته‌اند و مفاهیمی چون خانواده فلسطینی، درد آوارگی، بازگشت، خاطرات تبعید و محاصره و عشق، که از جان‌مایه‌های فلسطین سروده‌های عربی است، در شعر فارسی چندان جلوه‌ای نیافته است. همچنین، برخلاف فلسطین سروده‌های عرب، در فلسطین سروده‌های فارسی، مفاهیم و عناصر شیعی جلوه‌ای متمایز دارد.

شاعران دفاع مقدّس در فلسطین سروده‌های خود معمولاً به قالب‌های مثنوی، قصیده و تاحدودی غزل و نیمایی توجه نشان داده‌اند و لحن حماسی و شعارها و نمادهای رایج در ادبیات جنگ نیز به فلسطین سروده‌های آنان راه یافته است؛ حال آنکه هرچه به دهه‌های هفتاد و هشتاد نزدیک می‌شویم، قالب‌های سپید و غزل و رباعی فراوانی و لحن حماسی اشعار طینی سوگمنده می‌یابد. همچنین، شاعران این دو دهه، تحت تأثیر اشعار ترجمه‌شده شاعران عرب، به نمادها و مفاهیم بومی و عینی مردم فلسطین توجه داشته‌اند. علاوه بر این تمایزها، نمود مؤلفه‌هایی چون ستایش فلسطین و مسجدالاقصی، دعوت به مقاومت، سازش‌ناپذیری، انتقاد از سکوت جهانی در برابر فاجعه اشغال، امید به پیروزی و نیز کاربرد نمادهایی چون زیتون، تین، زخم، خون، سنگ و... از ویژگی‌های مشترک اشعار فلسطینی در شعر انقلاب اسلامی است. شعارزدگی، کم‌توجهی به اصل باورپذیری، کم‌دقتی در بیان شاعرانه و کم‌توجهی به فضاسازی و تخیل نیز از ضعف‌های این اشعار در جریان ادب پایداری انقلاب اسلامی است.

منابع

- اجتهادی، حسن، *غزل‌های جنوبی*، راهگشا، شیراز ۱۳۸۱.
- اسرافیلی (۱)، حسین، *زخم سيب (مجموعه اشعار برگزیده پانزدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)*، نشر صریر، تهران ۱۳۸۵.
- _____ (۲)، *کوه‌ها سنگ می‌زایند*، نشر صریر؛ نسیم حیات، تهران؛ قم ۱۳۸۴.
- اسماعیلی، رضا، «هشت یادداشت کوتاه درباره ادبیات مقاومت و پایداری»، شعر، ش ۳۹، زمستان ۱۳۸۳، ص ۷۸-۸۳.
- اسوار، موسی، *از سرود باران تا مزامیر گل سرخ (پیش‌گامان شعر امروز عرب)*، سخن، تهران ۱۳۸۱.
- امامی، صابر، *زخم و زیتون (مجموعه شعر فلسطین)*، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۲.
- امین‌پور، قیصر، *آینه‌های ناگهان*، افق، چاپ دوازدهم، تهران ۱۳۸۶.
- انصاری‌نژاد، محمدحسین، و *زلیخاست که بر پیرهنم می‌خندد (مجموعه شعر)*، همسایه، قم ۱۳۸۶.
- اوستا، مهرداد، *شراب خانگی ترس محتسب خورده*، زوار، تهران ۱۳۵۲.
- براتی‌پور، عباس، *تا طلوع گل سرخ*، تکا، تهران ۱۳۸۷.
- برامکه، محمودرضا و امین شفیعی، *آنچه گفتم تمام دلم نیست (گزیده اشعار دومین کنگره سراسری ستیغ سخن: نکوداشت زنده‌یاد استاد نصرالله مردانی)*، تعقل، شیراز ۱۳۸۵.
- بهبهانی، سیمین، *مجموعه اشعار*، نگاه، تهران ۱۳۸۸.
- ترابی، ضیاءالدین، *گلوی عطش (مجموعه شعر)*، برگ، تهران ۱۳۶۹.
- ترنج، تیمور، *گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر ۵۰)*، کتاب نیستان، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۹.
- جعفری حسینی، سید محمدامین، *چتر عطر باران را می‌پراند (برگزیده شعر جوان دومین جشنواره شعر فجر استان فارس)*، فصل پنجم، تهران ۱۳۸۷.
- حیدری آل کثیر، مرتضی، *سرفه خونین تفنگی در باد*، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس؛ نشر صریر، تهران ۱۳۸۶.
- حیدریان شهری، احمدرضا و ندا تصدیقی، «خوانش تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر ایران و فلسطین» (مطالعه موردپژوهانه شعر معین بسیسو و قیصر امین‌پور)، *نقد و ادبیات تطبیقی*، دوره ۱، ش ۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۰۵-۱۲۵.
- دحبور، احمد، *شب‌گرگ*، ترجمه موسی بیدج، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۵.

- درویش، محمود، آخر شب، ترجمه موسی اسوار، سروش، تهران ۱۳۵۸.
- رسول‌نژاد، عبدالله و شایسته زارعی، «بررسی تطبیقی زبان و بیان، اندیشه و عاطفه در شعر مقاومت نصرالله مردانی و محمود درویش»، *ادبیات تطبیقی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۷۶-۵۵.
- زیاد، توفیق، *مردگانتان را به خاک بسپارید و برخیزید*، ترجمه موسی بیدج، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۳.
- سبزواری، حمید، *تو عاشقانه سفر کن*، تکا، تهران ۱۳۸۶.
- سنگری (۱)، محمدرضا، «ادبیات پایداری»، شعر، ش ۳۹، زمستان ۱۳۸۳، ص ۵۳-۴۵.
- _____ (۲)، *ادبیات دفاع مقدّس* (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس، تهران ۱۳۸۹.
- سیب و زیتون* (مجموعه رباعی غزه)، به کوشش دفتر اعزام مبلّغ دانشگاه امام صادق، مشکات مهر، تهران ۱۳۸۸.
- صداقتگو کیاسری، مرتضی، *زیتون و سنگ* (مجموعه شعر فلسطین)، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۲.
- طوقان، فدوی، *الاعمال الشعریّة الکامله*، دارالعودة، بیروت ۲۰۰۵ م / ۱۳۸۴.
- عمرانی، خلیل، *ترنم حضور* (اشعار برگزیده نخستین جشنواره سراسری شعر بسیج)، نسل مروارید، بی جا ۱۳۸۲.
- فرزاد، عبدالحسین، *رؤیا و کابوس* (شعر پویای معاصر عرب)، مروارید، تهران ۱۳۸۳.
- قبنانی، نزار، *خشم خوشه‌ها* (یک شعر بلند)، ترجمه باقر معین، آگاه، تهران ۱۳۵۲.
- قزوه (۱)، علیرضا، *از خیبر جنوب* (آثار بیش از یک صد شاعر مقاومت از بیست کشور جهان در هم‌نوایی با مقاومت لبنان و فلسطین)، سروش، تهران ۱۳۸۵.
- _____ (۲)، *قطار اندیمشک*، لوح زرین، تهران ۱۳۸۴.
- قزوه، علیرضا و رضا اسماعیلی، *سلام مقاومت* (گزیده شعر دانشجویان ایران)، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران ۱۳۸۶.
- القاسم، سمیح، *الاعمال الشعریّة الکامله*، دارالعودة، بیروت ۲۰۰۴ م / ۱۳۸۳.
- القیسی، محمّد، *وضوی خون*، ترجمه موسی بیدج، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۵.
- کافی، غلامرضا، *شناخت ادبیات انقلاب اسلامی*، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس، تهران ۱۳۸۹.

گنجعلی، عباس و فرشته صفاری، «بررسی تطبیقی صور خیال در دو شعر "فی یوم فلسطین" بدر شاکر السیاب و "پنجره"ی قیصر امین پور»، نشریه ادبیات پایدار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۶، ش ۱۱، پاییز ۱۳۹۳، ص ۳۵۷-۳۸۴.

محسنی نیا، ناصر، «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب»، نشریه ادبیات پایدار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۱، ش ۱، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۴۳-۱۵۸.

محمدی، جلال، حسرت آشنایی باران (شعر جوان آذربایجان شرقی)، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۷.

محمدی روزبهانی، محبوبه، قسم به نخل، قسم به زیتون (بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، تهران ۱۳۸۹.

مردانی، نصرالله، سمند صاعقه، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۴.

مؤدب، علی محمد، سفر بمباران، شهرستان ادب، تهران ۱۳۹۳.

میرشکاک، یوسفعلی، گفتگویی با زن مصلوب، تکا، تهران ۱۳۸۸.

هراتی، سلمان، مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، دفتر شعر جوان، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۳.

